

مروری بر برخی قواعد حاکم بر تفسیر قوانین متعارض مالی و محاسباتی

عباس صحرانورد^۱

حمید آهنی^۲

الهام یوسفی مقدم^۳

چکیده

تفسیر قوانین متعارض مالی و محاسباتی از مباحث کلیدی در عرصه حقوق و اقتصاد به شمار می‌رود که نیاز به قواعد خاصی برای حل تعارضات و تسهیل در اجرای قوانین دارد. در این راستا، تفسیر باید نه تنها شامل اراده واقعی قانون‌گذار بلکه انعکاس مقاصد و هدف‌های قانونی نیز باشد. روش‌های مختلفی مانند تفسیر لغوی، نظام‌مند و قواعد ترتیبی می‌توانند به درک بهتری از این قوانین کمک کنند. همچنین، در تحلیل قوانین مالی و حسابداری، وجود قواعد مشخص و آشنایی مدیران و تصمیم‌گیرندگان با این قوانین تأثیر بسزایی بر عملکرد مالی و پاسخگویی سازمان‌ها دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برای افزایش شفافیت مالی و بهبود کارکردهای مالی دولت، نیاز به طراحی قواعد مالی مناسب و گسترش آشنایی با آن‌ها در سطوح مدیریتی وجود دارد. عدم رعایت قواعد مالی و چالش‌های مربوط به نحوه ورود منابع حاصل از صادرات نفتی به بودجه، به موانع جدی در برای ثبات بخشی سیاست‌های مالی تبدیل شده است. از این رو، نیاز به بازنگری در ساختار و کارکرد این قواعد، همچون حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی، ضروری می‌باشد. تفسیر قاعده‌مند قانون اساسی نیز عاملی کلیدی در حفظ انسجام نظام حقوقی و جلوگیری از تشتت قوانین محسوب می‌شود. به‌علاوه، مسائل مربوط به مسئولیت مدنی و قهری و تأثیر قوانین بر معاملات بورس از دیگر حوزه‌هایی هستند که نیاز به تبیین دقیق‌تر دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برای افزایش کارایی و تطابق با نیازهای روز، اصلاحات اساسی در قوانین و مقررات مالی و حسابداری باید به اجرا درآید. همچنین، ایجاد نظام‌های گزارشگری مالی شفاف و مؤثر می‌تواند به ارتقاء اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و تقویت نقش آنها در توسعه پایدار کشور کمک کند. به طور کلی، مجموعه‌ای از قواعد قانونی و مالی می‌تواند به تداوم و ثبات نظام اقتصادی و سیاسی کشور یاری رساند، اما اجرای مؤثر این قواعد نیازمند شناخت دقیق از واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کنونی است.

کلمات کلیدی: مالی، قوانین، شفافیت، محاسبات.

^۱ . کارشناس دیوان محاسبات کل کشور، نویسنده مسئول sahra6320@yahoo.com

^۲ . سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان رضوی

^۳ . اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی

۱- مقدمه

تفسیر قوانین متعارض مالی و محاسباتی یکی از چالش‌های مهم در عرصه حقوق و اقتصاد است. در این راستا، برخی از قواعد و اصول حاکم بر تفسیر این قوانین می‌تواند به درک بهتر و حل تعارضات کمک کند. در ادامه به بررسی مختصری از این قواعد می‌پردازیم:

اصولاً، هر قانونی باید به گونه‌ای تفسیر شود که اراده واقعی قانون‌گذار را منعکس کند. تفسیر باید شامل مقاصد و هدف‌های قوانین باشد. این نوع تفسیر با تمرکز بر معنای واژه‌ها و عبارات قانونی انجام می‌شود و معمولاً به متن صریح قانون توجه دارد. در مواردی که دو قانون با هم تعارض دارند، توجه به معانی لغوی می‌تواند نقطه شروع خوبی برای حل تعارض باشد.

در تفسیر نظام‌مند قانون در بافت کلی نظام حقوقی و مقررات مالی و محاسباتی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، یک قانون باید در ارتباط با دیگر قوانین مرتبط و در چارچوب کلی نظام حقوقی تفسیر شود. در مواردی که قوانین متعارض وجود دارد، معمولاً یک قانون نسبت به دیگری دارای اولویت است. این اولویت می‌تواند بر اساس تاریخ تصویب، نیازهای اجرایی یا موضوع قانون تعیین شود و قواعد ترتیبی گفته می‌شود. بسته به نوع قانون و موضوع آن، ممکن است تفسیر محدود یا گسترده مورد استفاده قرار گیرد. در برخی موارد، تفسیر محدود می‌تواند به حفظ حقوق اشخاص کمک کند، در حالی که تفسیر گسترده ممکن است برای تحقق مقاصد قانونی ضروری باشد. گاه در تفسیر قوانین مالی و محاسباتی، ممکن است نیاز به رعایت برخی اصول و قواعد خاص وجود داشته باشد که به موضوعات مالی و حسابرسی خاص مربوط می‌شود.

تفسیر قوانین در بسیاری از مواقع تحت تأثیر رأی‌ها و تفاسیر مراجع قضایی قرار دارد. تجزیه و تحلیل رویه قضایی می‌تواند به روشن شدن چگونگی تفسیر و اجرای قوانین کمک کند. این قواعد می‌توانند با توجه به موضوع و نوع تعارض قوانین متعارض، مورد استفاده قرار گیرند و به حل مسائل حقوقی و مالی کمک کنند.

۲- مواد و روش‌ها

در این بخش برخی موارد مرتبط با موضوع مقاله بررسی کتابخانه‌ای شد که به شرح زیر ارائه می‌شود:

عدم رعایت قواعد مالی و نحوه ورود منابع حاصل از صادرات نفتی به بودجه دولت دو موضوع کلیدی است که طی سال‌های گذشته به مانعی جدی در زمینه کارکرد ثبات بخشی سیاست مالی تبدیل

شده است. این موضوع سبب شده تا طراحی قواعد مالی برای جلوگیری از افزایش اندازه دولت و بی‌ثباتی‌های مالی در کوتاه‌مدت است که این قواعد می‌توانند معیارهای کمی با هدف محدودسازی مداخلات سیاسی باشند یا قواعد رویه‌ای که هدف بهبود کارکرد نهادهای بودجه‌ای و مدیریت بخش عمومی را تعقیب می‌کنند. حساب ذخیره ارزی، صندوق توسعه ملی و هدف‌گذاری کسری تراز عملیاتی، از مهم‌ترین قواعد مالی طراحی شده در ایران هستند اما در عمل نتوانسته‌اند محدودیت عملیاتی برای دولت در استفاده منابع حاصل از صادرات نفت ایجاد کنند. در مقاله حاضر، ضمن بررسی قواعد مالی موجود و تجربه سایر کشورها، سه قاعده مالی برای کشور پیشنهاد می‌شود که عبارت‌اند از تعیین سقف کسری بودجه بدون نفت و کاهش سالانه آن، تعیین سقف استفاده ریالی از منابع حاصل از نفت در بودجه و میزان تغییرات سالانه آن و مرتبط کردن میزان افزایش هزینه‌ها با مقدار افزایش درآمدهای غیرنفتی (قاسمی و مهاجرى، ۱۳۹۴).

قانون اساسی به‌مثابه میثاق ملت با حکومت هر کشور است و بر تارک نظام حقوقی هر کشور می‌درخشد و پاسداری از حرمت و اجرای اصول آن توجهی در خور می‌طلبد. در این رهگذر تفسیر قانون اساسی و لزوم تحلیلی علمی و بهره‌گیری از روش‌های صواب اهمیتی بسیار می‌یابد. بدیهی است که قواعد و روش‌های این تفسیر باید در چارچوب نظریه جامع به کار گرفته شوند که از سویی موجب تشتت در پیکره قانون اساسی نشوند و از دگر سوی انسجام نظام حقوقی را به ارمغان آورند. به نظر می‌رسد که تفسیر واقع‌گرایانه شایسته‌ترین بستر را در این مقوله فراهم می‌آورد، چه شناخت مفاد قانون اساسی در بستر عینی و با عنایت به انسجام نظام حقوقی به استنباط هنجارهای صحیح می‌انجامد. در این باب، نخست به مبانی نظری تفسیر قانون اساسی می‌پردازیم تا با کنکاش در رویکردهای گوناگون و ارتباط آن با صیانت از قانون اساسی، مبانی نظری مناسب فراهم گردد. تفسیر قانون اساسی در عمل، بخش دیگر این مقال را تشکیل می‌دهد. بی‌گمان مفسر در تفسیر قانون اساسی نیازمند لوازمی است که باید هنرمندانه از آنها بهره جوید. به مدد این روش‌ها است که قاضی قانون اساسی می‌کوشد به وصال غایت‌های قانون اساسی و در نگاهی کلان، نظام حقوقی نائل آید (ویژه، ۱۳۸۶).

معروف است که قواعد شکلی را باید تفسیر مضیق کرد. این اندیشه در خود مبانی‌ای دارد؛ که مهم‌ترین آن حفظ نظم است؛ اما سؤال این است که آیا این قواعد را می‌توان با توجه به اهداف خاصی تفسیر کرد؟ رویکردهایی وجود دارند که بر اساس آنها قواعد شکلی را می‌توان بنا به اهداف خاصی و غایت مدار تفسیر کرد. چنین رویکردی در نظام‌های مختلف بیگانه نیست و حتی لازمه‌ی پویایی قانونی و چابکی عدالت است. فلاسفه‌ی حقوق به‌واسطه‌ی ارتباط قواعد شکلی با حقوق

بنیادین، اجتماع و در مجموع ارتباط دادن شخص و دولت به واسطه‌ی این قواعد اهدافی را برای چنین تفاسیری ارائه داده‌اند، اهدافی چون صحت نتایج، سودگرایی، کارایی و حق‌های شکلی از این قبیل‌اند (داوودی، ۱۳۹۸).

مسئولیت غیر قراردادی که ضمان قهری نیز گفته می‌شود تخلف از تکالیف قانونی است که برای همه وجود دارد. مسوولیت قهری شامل: الف- مسوولیت قهری به معنی اخص که آن را می‌توان مسوولیت کیفری هم نامید و آن چنان است که راننده خودرو که با پیاده‌ای کینه‌ای دارد عمداً به او آسیبی رسانده است که این کار جرم نیز هست ب- مسوولیت شبه جرم است و آن زیان ناشی از بی‌احتیاطی مباشر است (مثلاً حادثه بر اثر سرعت اضافی پیش آمده است). بازدارندگی یکی از کارکردهای اصلی مسوولیت مدنی است به دو صورت ظاهر می‌شود الف- بازدارندگی خاص، ب بازدارندگی عام، بازدارندگی خاص (فردی) نقشی است که مسوولیت مدنی می‌تواند در بازداشتن واردکننده زیان از ورود مجدد خسارت داشته باشد این قسم از بازدارندگی در مقابل بازدارندگی عام قرار دارد که به معنی پیشگیری در سطح جامعه و بازداشتن سایر افراد جامعه از در پیش گرفتن رفتار زیان‌بار در آینده است. نمونه این بازدارندگی بیمه مسوولیت می‌باشد که از سویی پیدایش این بیمه موجب تضعیف کارکرد مسوولیت مدنی و افزایش بی‌احتیاطی شده است زیرا جبران خسارت توسط بیمه گر نه تنها موجب بازدارندگی عامل مقصر نمی‌شود بلکه ممکن است خود او و دیگران را به اقدامات زیان‌بار بعدی تشویق کند. در این مقاله سعی شده در ابتدا به مفهوم مسوولیت مدنی و علی‌الخصوص مسوولیت قهری پرداخته و مبانی، ماهیت و ارکان مسوولیت را مورد بررسی قرار داده و بعد در خصوص ارتکاب به فعل ضرری و تقصیر در مسوولیت قهری مواردی بیان شده؛ و در آخر به بررسی موارد بازدارندگی در مسوولیت مدنی و ارتباط بیمه با مسوولیت مدنی پرداخته می‌شود (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶).

حراج نوعی فروش است که به موجب آن فروشنده یا قائم‌مقام قانونی او، مالی را به مردم در مدت معین با بهای مشخص با رعایت نظامات خاص دولتی و عرفی عرضه می‌کند، با پیوستن خریدار در جلسه حراج به ایجاب فروشنده تراضی حاصل و معامله واقع می‌گردد. شیوع حراج بنا به مقتضیات اقتصادی و اجتماعی با وصف تحولات تجاری به گونه‌ای است که بیشتر اشخاص خواسته یا ناخواسته در آن شرکت می‌کنند. تمام اعمال حقوقی بر پایه حکومت اراده استوار هستند، نظر به این که حراج نیاز به دو اراده دارد از شمول ایقاع خارج و عقد محسوب می‌گردد این نوع فروش عقدی است لازم، معوض و تملیکی و از قواعد و ویژگی‌های خاص آن حضوری، قطعی، نقدی بودن ثمن و رعایت تشریفات است. در این نوشتار تلاش شده تا حراج بر پایه قوانین و عرف که تمام کاستی‌های موجود

را در زمینه شیوه، ارکان و نحوه اجرا و شرایط حراج به عنوان قواعد تکمیل کننده پوشش می دهد، بررسی و تبیین گردد (حسنی، ۱۳۸۹).

ویژگی های قراردادهای بازارهای بورس موجب شده است که قواعد عام قانون مدنی و دیگر مقررات، برای تنظیم معاملات بورس کافی نباشد. برخلاف قواعد عام قانون مدنی که صرفاً برای صحت معاملات رعایت شرایط عمومی معامله، از جمله موارد ماده ۱۹۰ قانون مدنی همچون قصد و رضای طرفین، اهلیت، موضوع معین و مشروعیت جهت کافی است در خصوص معامله های بازار سرمایه علاوه بر آن شروطی دیگری همچون شفافیت بازار، رقابت منصفانه، اصل نظارت و تشریفاتی بودن معاملات نیز ضروری است؛ بنابراین شروط عمومی قانون مدنی با ظهور بازار سرمایه و قواعد مربوط به آن گسترش یافته و شروط جدیدی به آن اضافه شده است.

تفاوت های بین معاملات بورس با سایر معاملات اقتضا می کند که اصول و قواعد خاصی بر معاملات بورس حاکم باشد. معاملات در بازار سرمایه بر اساس قوانین و مقررات بازار سرمایه انجام می شود. در مراحل مختلف انعقاد، اعتبار، شروط تا حدودی بر طبق قواعد عمومی قراردادهای و در مرحله انحلال بر اساس قراردادهای بازار سرمایه است و سازمان های بورس ها بر روند آن نظارت دارند. در این نوع معاملات نحوه انجام معامله توسط سازمان های بورس مشخص می شود و به اراده طرفین واگذار نمی شود (رضوی و نامدار، ۱۴۰۱).

قوانین و مقررات مالی مورد نیاز جامعه حاصل تجربیات و ساعت ها تلاشی است که توسط کارشناسان و نمایندگان مجلس تهیه گردیده و جهت استفاده در اختیار مدیران و کاربران قرار گرفته است که با اعمال درست آن راه رسیدن به هدف را به طور صحیح و سریع و با دقت فراهم می نماید که آشنایی با قوانین و مقررات مالی، زمینه اعمال مدیریت آگاهانه و هدفمند را فراهم می سازد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و در ردیف مطالعات توصیفی پیمایشی و از نظر نحوه جمع آوری داده ها کمی است. جامعه آماری این تحقیق فرماندهان و مدیران دانشگاه علوم انتظامی امین است که اجازه دستور مالی دارند و در مجموع ۲۶ نفر تمام شمار می باشند. ابزار جمع آوری اطلاعات نیز کتابخانه ای و پرسشنامه محقق ساخته می باشد. با توجه به این که هم آلفای درونی تک تک سؤالات و هم آلفای کلی پرسشنامه بیش از ۰/۷ است، پایایی پرسشنامه ها مطلوب ارزیابی گردید. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که آشنایی فرماندهان و مدیران دانشگاه علوم انتظامی امین با قوانین و مقررات مالی و محاسباتی تأثیر معناداری بر سرعت جذب، صحت عملکرد و دقت عملکرد بودجه مالی دارد. با توجه به مطالعات صورت گرفته و شناسایی عوامل تأثیرگذار، توصیه می شود اقدامات زیر صورت گیرد: ۱) لزوم گسترش، توسعه و تقویت اقدامات مؤثر بر بهبود عملکرد مالی با در نظر گرفتن

اولویت‌بندی‌های تعیین‌شده؛ ۲) تمرکز بر نقاط قوت و ضعف هر یک از مؤلفه‌های بهبود عملکرد مالی؛ ۳) بررسی و شناخت صحیح و واقع‌گرایانه از چالش‌ها و مشکلات موجود در راستای هریک از مؤلفه‌های بهبود عملکرد مالی (روضه‌ای و همکاران، ۱۳۹۹).

در پژوهشی محاسباتی مدیران دولتی را با هدف طراحی الگوی شکل‌گیری آن‌ها بررسی و تحلیل کرده است. این پژوهش در چارچوب رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش تحقیق داده‌بنیاد انجام گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌ها، ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته به کار گرفته شد. با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ۱۶ نفر از خبرگان آشنا با مسائل مالی و اداری سازمان‌های دولتی انتخاب و با آن‌ها مصاحبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گرفت و بر اساس نتایج، الگوی موردنظر طراحی شد. این الگو شامل شرایط علی (علل ساختی در دو سطح حکومت و قوه مجریه، و علل دیدگاهی در دو سطح بین قوا و قوه مجریه)، مقوله راهبردی (قانون مدارانه، نتیجه مدارانه و منفعلانه)، شرایط محیطی (عوامل ذهنی و عوامل عینی)، شرایط مداخله‌گر (عوامل درون‌سازمانی و عوامل برون‌سازمانی) و مقوله‌های پیامدی (بروندادها و پیامدها) است (محرم پور و همکاران، ۱۳۹۶).

گزارشگری مالی دولتی درواقع مرکز ثقل پاسخگویی دولت، به مردم و پاسخ‌خواهی مردم از دولت، است و مردم از طریق نظام گزارشگری مالی کارآمد، قادر خواهند بود از چگونگی ارائه خدمات، نحوه مصرف منابع، استفاده و نگهداری اموال و دارایی‌ها، مطلع شوند و عملکرد مسئولان را مورد ارزیابی قرار دهند. در این پژوهش، نقش قوانین و مقررات محاسباتی و سیستم حسابداری تعهدی در ارتقای ظرفیت پاسخگویی صورتحساب عملکرد سالانه بودجه کل کشور که مهم‌ترین و تنها صورت مالی دولت است، بررسی و ارزیابی شده است. لذا در این زمینه، عوامل تأثیرگذار در ظرفیت پاسخگویی صورتحساب عملکرد، شناسایی و تا حد امکان، به ارائه پیشنهادهایی پرداخته می‌شود. روش پژوهش بکار گرفته شده، توصیفی - پیمایشی است که طی آن، از طریق بررسی‌های میدانی، سوالات در قالب سه فرضیه مطرح و به نظرخواهی پاسخگویان گذاشته شد. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده گردید که در این پژوهش تعداد ۱۰۸ نمونه از جامعه آماری، انتخاب و پرسشنامه‌ها در بین نمونه آماری، توزیع گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون چی دو کارل پیرسون، ضریب چوپروف و آزمون فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و میزان خطای احتمالی در کلیه فرضیه‌ها ۵٪ در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قوانین و مقررات محاسباتی و سیستم حسابداری تعهدی در ارتقا ظرفیت پاسخگویی صورتحساب عملکرد نقش بسزایی دارد، ولی اطلاعات مندرج در صورتحساب عملکرد،

پاسخگویی انتظارات استفاده‌کنندگان از این صورتحساب نیست؛ اما طی سال‌های اخیر، در محتوای اطلاعاتی این صورتحساب، بهبود حاصل شده است (الماسی و غلامپور، ۱۳۸۸).

داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه طراحی‌شده با ضریب آلفای کرونباخ نهایی ۰.۸۲ و نمونه ۹۶ نفری از میان اساتید دانشگاه‌ها، حساب‌رسان دیوان محاسبات، ذی‌حسابان و مدیران دستگاه‌های دولتی، از طریق دو آزمون T و آزمون فریدمن با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان‌دهنده این است که عوامل الزامات قانونی، غالب شدن دکترین خاص، الزامات و توصیه‌های جوامع بین‌المللی، بحران‌های مالی و اقتصادی و بهبود شفافیت مالی از محرک‌های تغییرات حسابداری دولتی در نظام گزارشگری مالی بخش عمومی ایران می‌باشند. از موانع تغییرات حسابداری دولتی نیز می‌توان به کمبود نیروهای متخصص مالی، نارسایی برخی قوانین و مقررات مالی و محاسباتی، نبود استانداردها و روش‌های حسابداری دولتی کافی، نبود چارچوب نظری و فرهنگ پاسخگویی و پاسخ‌خواهی اشاره کرد. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که در بین محرک‌ها عامل بهبود شفافیت مالی و در بین موانع نیز عامل نارسایی برخی قوانین و مقررات مالی و محاسباتی در اولویت اول قرار دارد (محمدزاده و فرجی، ۱۳۹۵).

شرکت‌های برق منطقه‌ای سازمان‌هایی هستند که هردوی اهداف اجتماعی و اهداف مالی را جهت انجام مأموریت‌های محول شده دنبال می‌کنند، بنابراین ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی به واسطه اهداف دوگانه‌ای که دارند، از اهمیتی اساسی برخوردار است. در پژوهش حاضر با بررسی نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی این شرکت‌ها، ضعف‌ها و نارسایی‌های صورت‌های مالی در این بخش مورد مطالعه قرار گرفته است. روش پژوهش: داده‌های مورد نیاز پس از مطالعه کتابخانه‌ای و جستجوی اکتشافی در مبانی نظری و قوانین و مقررات مالی و محاسباتی حاکم بر روابط این اشخاص و با استفاده از پرسشنامه، جمع‌آوری و با بهره‌گیری از آزمون‌های مناسب آماری، تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش: شواهد حاصل از تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های پرسش‌شوندگان نشان می‌دهد اطلاعات ارائه‌شده در صورت‌های مالی که در جهت هدف ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی که از اولویت برخوردار است، کافی نیست و بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب فاصله قابل توجهی وجود دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که استفاده‌کنندگان علاوه بر اطلاعات مالی در رابطه با کلیت سازمان، به اطلاعاتی در خصوص وضعیت مالی، عملکرد مالی و بودجه هر یک اهداف سازمان نیز نیاز دارند.

با توجه به یافته‌های پژوهش که استفاده‌کنندگان با هدف ارزیابی مسئولیت پاسخگویی صورت‌های مالی شرکت های برق منطقه ای را مورد استفاده قرار می‌دهند، طراحی و پیاده‌سازی مدل گزارشگری مناسب جهت بهبود ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی ضروری است (محبی و همکاران، ۱۴۰۲).

در زیر به برخی از قواعد حاکم بر تفسیر این قوانین پرداخته شده است:

تفسیر لغوی: در این روش، بر معنای واژه‌ها و عبارات قانونی تمرکز می‌شود و تفسیر باید عمدتاً بر متن صریح قانون استوار گردد. این نوع تفسیر می‌تواند نقطه شروع خوبی برای حل تعارضات بین دو قانون باشد.

تفسیر نظام‌مند: این رویکرد، تفسیر قوانینی را در یک بافت کلی و ارتباط با سایر قوانین و مقررات مالی و محاسباتی بررسی می‌کند. این شیوه بر این اصل تأکید دارد که یک قانون باید در راستای قوانین دیگر و ضمن در نظر گرفتن کلیت نظام حقوقی تفسیر شود.

قواعد ترتیبی: در مواجهه با قوانین متعارض، معمولاً یکی از قوانین نسبت به دیگری اولویت دارد. این اولویت ممکن است بر اساس تاریخ تصویب، نیازهای اجرایی یا موضوع قانون تعیین شود.

تفسیر محدود و گسترده: بسته به نوع قانون و موضوع آن، ممکن است تفسیر محدود (که به حفظ حقوق اشخاص کمک می‌کند) یا تفسیر گسترده (که برای تحقق اهداف قانونی ضروری است) به کار گرفته شود.

قواعد خاص مالی: در تفسیر قوانین مالی و محاسباتی، رعایت برخی اصول و قواعد خاص که با موضوعات مالی و حسابرسی در ارتباط است، ضروری است.

عملکرد مراجع قضایی: تفسیر قوانین تحت تأثیر آراء و تفاسیر مراجع قضایی قرار دارد. تحلیل رویه قضایی می‌تواند به روشن شدن چگونگی تفسیر و اجرای قوانین کمک کند و راهکارهای لازم را فراهم آورد.

۳- نتایج و بحث

با توجه به بررسی‌های انجام شده در طی مقالات مختلف، می‌توان گفت که قوانین و مقررات مالی و حسابداری نقشی حیاتی در بهبود شفافیت و کارایی نظام مالی کشورها، به ویژه در ایران، دارند. اصول حاکم بر حسابداری و نظام گزارشگری مالی، نه تنها موجب تنظیم و کنترل فعالیت‌های مالی می‌شوند، بلکه به عنوان ابزاری برای ارتقاء پاسخگویی و بهبود عملکرد سازمان‌ها نیز به شمار می‌روند. برای بهبود ارزیابی و نظام مدیریت مالی در ایران، لازم است اصلاحات اساسی در قوانین و مقررات مالی و حسابداری نافذ شوند. این اصلاحات باید در تمامی سطوح مدیریتی پیاده‌سازی گردند و شامل بروزرسانی سیستم‌های گزارشگری، آموزش و تجهیز مدیران و کارکنان و ترویج فرهنگ پاسخگویی در سازمان‌ها باشند. در نتیجه، سرمایه‌گذاری در شناخت و اجرای مؤثر قوانین و مقررات مالی و حسابداری می‌تواند به موجب بهبود عملکرد مالی و اقتصادی، شفافیت در گزارشگری و افزایش سطح پاسخگویی مدیران در نهادهای عمومی و خصوصی گردد. این امر به نوبه خود می‌تواند به جلب اعتماد عمومی و بهبود جایگاه ایران در عرصه‌های بین‌المللی کمک نماید.

در سال‌های اخیر، عدم رعایت قواعد مالی و چالش‌های مربوط به نحوه ورود منابع حاصل از صادرات نفتی به بودجه دولت، به موانع جدی در زمینه کارکرد ثبات بخشی سیاست مالی تبدیل شده است. همچنین، نظریه تفسیر قانون اساسی و اهمیت تحلیل علمی آن در ایجاد انسجام نظام حقوقی کشور بر اساس نظر ویژه (۱۳۸۶) ضرورت دارد. تبدیل این تفسیر به یک فرآیند جامع که به تشریح قوانین نینجامیده و در عین حال از انباشت مفاسد جلوگیری کند، می‌تواند به پاسداری از حرمت قانون اساسی و تأمین حقوق شهروندان کمک کند. به خصوص تفسیر واقع‌گرایانه که در آن شناخت مفاد قانون اساسی با دقت به انطباق آن با حقوق و واقعیت‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌تواند بستر مناسبی برای تفسیر صحیح و دقیق اصول بنیادین نظام حقوقی فراهم کند. پژوهش‌ها به بررسی قواعد شکلی و اهمیت تفسیر آن‌ها پرداخته‌اند. این قواعد باید به جهت تأمین اهداف خاص و با در نظر گرفتن عدالت اجتماعی تفسیر شوند تا بتوانند پاسخگوی نیازهای روز جامعه باشند. این نوع تفسیر نیاز به شناخت عمیق از آثار و تبعات مرتبه‌ای مختلف حقوق به‌ویژه در زمینه مسئولیت مدنی و قهری دارد. بر همین اساس، بررسی دقیق شرایط و چالش‌های پیش روی این قواعد و ارائه الگوهایی نوین برای تفسیر و اجرای آن‌ها ضروری است.

در زمینه قوانین و مقررات مالی آشنایی مدیران و فرماندهان با اصول مالی تأثیر بسزایی بر عملکرد مالی آن‌ها دارد. این آشنایی نه تنها به بهبود دقت و صحت مالی منجر می‌شود بلکه می‌تواند فرآیند

تصمیم‌گیری را تسهیل کند. از این رو، ایجاد دوره‌های آموزشی و برنامه‌های توسعه‌ای برای مدیران می‌تواند به این امر کمک شایانی نماید.

نتیجه‌گیری کلی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از قواعد قانونی و مالی به تداوم و ثبات نظام اقتصادی و سیاسی کشور کمک خواهند کرد، اما برای دستیابی به این هدف، ضروری است که قوانین به شکل دقیق و متناسب با واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کنونی تفسیر و بهبود یابند. در نهایت، ایجاد نظام‌های گزارشگری مالی شفاف و مؤثر می‌تواند به ارتقاء اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و تقویت نقش آن‌ها در توسعه پایدار کشور کمک نماید.

۴- منابع

الماسی، حسن و غلامپور، سیدمحمد. (۱۳۸۸). نقش قوانین و مقررات محاسباتی و سیستم حسابداری تعهدی در ارتقاء ظرفیت پاسخگویی. مدیریت کسب و کار، ۱(۲)، ۲۵-۴۴.

داوودی، حسین. (۱۳۹۸). تفسیر غایت‌مدار قواعد شکلی. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۹(۲)، ۲۸۱-۲۹۹.

دهقانی، محمد؛ شعاریان ستاری، ابراهیم؛ و تقی‌زاده، ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی قواعد بازدارندگی حاکم بر مسوولیت قهری. در همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران (دوره ۳).

حسینی، علیرضا. (۱۳۸۹). قواعد حاکم بر حراج در حقوق ایران. فقه و تاریخ تمدن، ۶(۲۴)، ۹-۲۷.

قاسمی، محمد و مهاجری، پریسا. (۱۳۹۴). قواعد مالی مناسب برای سیاستگذاری مالی در ایران. برنامه ریزی و بودجه، ۲۰(۲)، ۸۴-۵۹.

محبی، سان؛ باباجانی، جعفر؛ سلیمی، جواد؛ و تقوی فرد، محمدتقی. (۱۴۰۲). شناسایی اهداف و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی شرکت‌های برق منطقه‌ای در ایران. حسابداری دولتی، ۱۰(۱)، ۹۳-۱۱۰.

محرّم‌پور، غلامحسین؛ اخوان علوی، سیدحسین؛ باقری راغب، قدرت‌اله؛ و حمیدی‌زاده، علی. (۱۳۹۶). طراحی الگوی شکل‌گیری تخلفات مالی و محاسباتی مدیران دولتی با قصد تحقق اهداف سازمانی. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۵(۲)، ۲۸۹-۳۰۸.

محمدزاده سالطه، حیدر و فرجی، حمیده. (۱۳۹۵). بررسی محرک‌ها و موانع تغییرات حسابداری دولتی در نظام گزارشگری مالی بخش عمومی ایران. حسابداری دولتی، ۳۵(۳)، ۳۵-۴۶.

رضوی محدثه سادات و نامدارپوربنگر، مصطفی. (۱۴۰۱). مقایسه قواعد عمومی قراردادها با قواعد اختصاصی حاکم بر معاملات بازار سرمایه (بورس). حقوق پزشکی، ۱۶، ویژه نامه تحولات حقوقی.

